

تنها دولتی که طی سال‌های اخیر همواره اعلام کرده هر مذاکره‌ای باید با محوریت دولت مرگزی افغانستان صورت گیرد و هر کسی که در افغانستان روی کار بیاید باید امنیت و آزادی مردم افغانستان را تضمین کند و هیچ قدرتی که با تصرف نظامی در این کشور روی کار بیاید مورد تاییدش نیست، جمهوری اسلامی ایران است

دکتر مجتبی نوروزی در گفت وگو با «وطن امروز» با اشاره به سیاست‌های ایالات متحده در قبال افغانستان مطرح کرد

طالبان، مهم‌ترین ابزار آمریکا در افغانستان

بازنمایی‌های رسانه‌ای درباره قدرت طالبان در افغانستان چقدر صحت دارد؟



محمدحسین معصومزاده
روزنامه‌نگار

طی روزهای گذشته خبری در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که خبر از احتمال

سقوط مزارشریف توسط طالبان می‌داد. بسیاری از دین این خبر شوکه شدند. پیش از آن نیز در خبرها آمده بود که طالبان نوانسته است در ۴ ولایت شمالی قندوز، بلخ، بغلان و فاریاب تعدادی از ولسوالی‌ها (شهرستان‌ها) را به تصرف خود در بیاورد. پیش از این نیز مطرح شده بود که از اول سال شمسی تاکنون طالبان موفق به تصرف بیش از ۷۰ ولسوالی شده است. همین امر به اعلام بسیج عمومی توسط عطامحمدنور، والی سابق بلخ و از مجاهدان نامدار افغانستان انجامید. وی با اشاره به افزایش ناامنی‌ها در افغانستان اظهار داشت که تمایل دارد با مارشال عبدالرشید دوستم و محمد محقق از رهبران ازبک و هزاره افغانستانی، بر اساس یک توافق و سیاست روشن برای دفاع از افغانستان تلاش کند. بتازگی نیز مارشال دوستم در خط درگیری با طالبان در ولایت‌های شمالی افغانستان حضور یافته است. دوستم با اشاره به تشدید حملات طالبان گفته است: اکنون وقت یکی شدن، همسخت شدن و ایستادن در برابر دشمن مشترک است. به تبع ناامنی‌های اخیر توسط طالبان، جدید سیسج مردمی نیز بتازگی در مناطق شمالی شکل گرفته است. وزارت دفاع افغانستان با انتشار تصاویری اعلام کرد مردم در ولایت‌های پروان، تخار، بدخشان، جوزجان، بغلان، فاریاب، قندوز، سرپل و بادغیس بسیج و مسلح شده‌اند تا در کنار نیروهای امنیتی با طالبان بجنگند. «فواد امان» معاون سخنگوی وزارت دفاع افغانستان گفت مردم به‌طور خودجوش آمده‌اند. مسلح بردهای دولتی و طالبان قرار داشته‌اند. تعداد ولسوالی‌هایی که وده داده است تا هر چه در توان دارد برای نیروها بگذارد. وزارت دفاع افغانستان بر تأمین این باور است که بسیج و مسلح‌سازی مردم در کنار نیروهای امنیتی در برابر طالبان در تأمین

■ در برخی اخبار بیان می‌شود طالبان توانسته از اول سال جاری تاکنون ۷۰ ولسوالی را در افغانستان تصرف کند. آیا این امر نشان‌دهنده ضعف نیروهای دولتی نسبت به این گروه است؟
باید توجه داشت اینکه گفته می‌شود طالبان از ابتدای سال ۷۰ ولسوالی را تصرف کرده است، به این معنا نیست که تسلط طالبان بر این ۷۰ ولسوالی تثبیت شده، بلکه این ولسوالی‌ها در رفت و برگشت بین نیروهای دولتی و طالبان قرار داشته‌اند. تعداد ولسوالی‌هایی که در اختیار طالبان قرار دارد و آنان توانسته‌اند تسلط خود را بر آن مناطق تثبیت کنند، بسیار محدود است.

در این مقطع طالبان ۲ هدف عمده را در راستای هم دنبال می‌کند؛ یکی، آن جنبه تبلیغاتی است که تلاش دارد به وسیله آن قدرتش را به رخ بکشد و اخبار را تحت‌الشعاع خود درآهد و همچنین می‌خواهد علاوه بر ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و نیروهای امنیتی آنان را نسبت به وضع موجود ناامید کند. لذا اساسا حفظ زمین برای طالبان در مقطع فعلی اهمیت چندانی ندارد. نکته دوم اینکه طالبان تلاش می‌کند یک مسیر جنوب به شمال برای خود باز کند، بنابراین سعی می‌کند در شهرها و ولسوالی‌هایی که روی آنها تأکید دارد دست به ناامنی و تضعیف نیروهای دولتی بزند که دقیقا ساده‌ترین مسیر دستیابی جنوب به شمال است. -که طرف دیگر باید گفت طالبان این بار برخلاف دهه ۷۰ شمسی -که از جنوب عملیات‌هایش را شروع کرد و بتدریج و در هر آخرین نقطه به مزارشریف رسید- تلاش کرد این بار عملیات‌هایش را از شمال شروع کند. این امر به این دلیل است که رهبران طالبان احساس می‌کنند باید این گزاره را که پایگاه اجتماعی طالبان در جنوب و شرق افغانستان است بشکنند و اثبات کنند که در بین مناطق دیگر بویژه مناطق شمالی و همچنین بین سایر اقوام بخصوص برخی جریان‌های ازبک پایگاه قدرت دارند. لذا برای طالبان شهر مزارشریف یک نقطه کلیدی است و اگر نتوانند به ولایت بلخ و شهر مزارشریف ضربه‌ای جدی وارد کنند، برای‌شان یک پیروزی تبلیغاتی قابل توجه است؛ به دلیل اینکه سخت‌ترین عملیات‌شان زمانی که دهه ۹۰ در افغانستان به حکومت رسیدند، در شمال و در شهر مزارشریف بود که تلفات گسترده‌ای در آنجا دادند. اما با توجه به بسیج مردمی‌ای که آنجا رخ داده و همبستگی‌ای که بین

نیروهای امنیتی دولت، سران مجاهدان و مردم منطقه ایجاد شده است، احساسی می‌شود امکان دسترسی طالبان به شهر مزار شریف بسیار ضعیف شده است.احتمال دارد این گروه حتی بزودی مناطقی را هم که در ولایت بلخ و برخی ولایات دیگر شمال به دست آورده، از دست بدهد و مجبور شود عقب‌نشینی گسترده‌ای داشته باشد. ■ عملکرد دولت افغانستان و نیروهای امنیتی این کشور را در تأمین امنیت و مدیریت این بحران چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چرا در ماه‌های اخیر نقاط آسیب‌پذیری بیشتر شده است؟

برای پاسخ به این سوال باید قبل از هر چیز سنت حکمرانی در افغانستان را مرور کنیم. افغانستان به دلیل جغرافیای خاص و کوهستانی خود، همیشه به گونه‌ای اداره شده که دولت‌ها، شهرهای مهم و نقاط استراتژیک را کنترل می‌کردند و تنها به تنظیم رابطه با حکمرانان یا قدرتمندان محلی اکتفا و از آنان برای کنترل مناطق دوردست استفاده می‌کردند. هر گاه در طول تاریخ، حکمرانان افغانستان تلاش کردند بیش از حد به تمرکزگرایی رو آورند و قدرت دولت مرکزی را به نقاط دوردست توسعه دهند، با موانع و مشکلات فراوانی روبه‌رو شدند. لذا می‌بیم‌الآن هم مناطقی که طالبان در آنها قدرت‌نمایی می‌کند از این دست مناطق است. اساسا امکان استقرار نیروهای نظامی متمرکز از تش ملی افغانستان در آنجا ضعیف است و هرزین‌های بالایی دارد. دولت در چند ماه گذشته تلاش کرده با تکیه بر برخی نیروهای محلی، امنیت را در این مناطق حاکم کند که هنوز هماهنگی لازم در مناطق مذکور ایجاد نشده است که به نظر می‌رسد طالبان از این ضعف به نفع خود استفاده کرد. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه آمریکایی‌ها بعد از حضور و استقرار در افغانستان تلاش کردند قدرت فرماندهان مجاهدان را که هر کدام در مناطق خودشان دارای یک نوع قدرتی بودند و امکان کنترل آن مناطق را داشتند و امنیت نسبی را برقرار می‌کردند، به نام جنگ‌سالار تغییر کرد. گروه‌های مسلح غیرمسؤول، کاهش دهند و انسان را از گردونه حکمرانی حذف کنند. همین امر امروز

تبدیل به پاشنه آشیل دولت افغانستان شده است. با توجه به بسیج محلی‌ای که از طرف مردم صورت گرفته و احساس خطری که سیاستمداران در دولت مرکزی کردند، به مرور این هماهنگی اتفاق خواهد افتاد و با بسیج این نیروها، سد محکمی در برابر طالبان ایجاد می‌شود و از سرعت تصرفات کاسته خواهد شد و بازگشت نیروهای امنیتی دولتی با هماهنگی نیروهای مردمی محلی به مناطق از دست رفته دوباره برقرار خواهد شد، روندی که طی چند روز گذشته نیز شاهد آن بودیم.

■ **موضع کشورهای خارجی بویژه ایالات‌متحده، پاکستان، چین و سعودی درباره بحران اخیر افغانستان چگونه است و چه اقداماتی را در این زمینه انجام داده‌اند؟**

آمریکایی‌ها مهم‌ترین بازیگر خارجی عرصه افغانستان طی ۲ دهه گذشته بودند که حضور نظامی گسترده و حضور دولتی قابل توجه داشتند و همچنین کمک‌های بسیاری را به سمت دولت افغانستان سرازیر کردند اما دربارہ نیت و هدف‌شان از همان ابتدا شک‌هایی وجود داشت که آیا آنها صرفا به خاطر به دست آوردن اهداف امنیتی خود داخل افغانستان هستند یا به شعارهایی که درباره آزادی بیان، آزادی زنان، توسعه افغانستان و مسائل اینچنینی می‌دهند پایبندند. اتفاقات و جریان‌های یکی، دو سال اخیر به خوبی ثابت کرد که در ساله‌هاست سیاست‌های آمریکا برای آنها تنها از زاویه منافع ملی‌شان قابل بحث و بررسی است. آنان ابتدا نگاهشان این بود که دیگر هیچگاه این جغرافیا محلی برای ضربه زدن به منافع‌شان چه در داخل و چه در خارج کشورشان نباشد، لذا تلاش کردند دولت مرکزی منمترکز قوی در افغانستان روی کار آورند. از ابتدا با توجه به مسیری که انتخاب کرده بودند مشخص بود این مسیر، مسیر درستی نیست و منتهج به نتیجه لازم نخواهد شد. با روی کار آمدن ترامپ، سیاست آمریکا‌ها تغییر کرد. آنها تلاش کردند بازیگر دیگری را در افغانستان حاکم کنند که این بازیگر طالبان بوده البته با اخذ تضمین‌های لازم از طالبان،

ملاحظات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در فضای ملتهب افغانستان

افغانستان» را «امنیت و پیشرفت» خود می‌داند». در کنار این رهنمودها، ضرورت همسایگی مسالمت‌آمیز، خط مرزی ۹۳۶ کیلومتری ۲ کشور، جایگاه ژئوپلیتیک افغانستان در مناسبات تجاری و امنیتی آسیا- اروپا و همچنین مولفه‌های مرتبط با ارزش‌های انسانی و اخلاقی ضرورت ثبات در افغانستان را برای جمهوری اسلامی ایران مفروض داشته است. به طور خلاصه می‌توان گفت که درهم‌تیدگی و غیرقابل تفکیک بودن امنیت ۲ کشور از یکدیگر، اهمیت و ضرورت حفظ گسترش و ارتقای سطح همکاری‌ها و تعاملات همه‌جانبه در این راستا را نمایان می‌کند.

■ **همکاری دفاعی و اشراف بر تروریسم**

با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک و وضعیت سیاسی- اجتماعی افغانستان، روابط خارجی کابل با دیگر کشورها همواره تحت تأثیر مسائل امنیتی قرار داشته‌صرفنظر از اینکه جریان قالب سیاسی در افغانستان کدام گروه خواهد بود، بدون شک طی سال‌های آتی تهدیدات امنیتی از جانب گروه‌های تروریستی در این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران تشدید خواهد شد. از این رو توجه به ارتقای همکاری‌های امنیتی با جریان‌های قدرتمند افغانستان با در نظر گرفتن برخی

رضا عدالت‌پور
روزنامه‌نگار

طی ۲ ماه گذشته افغانستان تحت تاثیر آغاز «عملیات‌های بهاره» طالبان و خلأ امنیتی ناشی از ضعف دولت مرکزی، صحنه تحولات نظامی قابل توجهی بوده است که می‌تواند آینده ژئوپلیتیک این کشور و در نتیجه روابط امنیتی- سیاسی آن با کشورهای منطقه بویژه همسایگان آن را تحت تاثیر قرار دهد. اگرچه در حال حاضر بیش از نیمی از شهرهای افغانستان در حال دست به دست شدن بین نیروهای نظامی کابل و طالبان است و طالبان بیشتر از ۱۰۰ شهرستان را در کنترل خود دارد اما این مناطق به لحاظ دامنه جمعیتی و قدرت اقتصادی در زمره شهرهای مهم نیستند. از طرف دیگر ضعف دولت افغانستان در صیانت از مناطق شمالی، جنوبی و شرقی سبب شده تا جنگ‌سالاران قدیمی در قالب فرماندهان قومیت‌ها به بازاقرینی قدرت از دست رفته مبادرت کنند و در قامت دفاع از ولایات در برابر طالبان، عملا مشروعیت سیاسی و حاکمیت امنیتی دولت را تحت تاثیر قرار دهند. از این رو برآورد نهایی درباره اینکه قدرت فائقه در پی منازعات مسلحانه

شنبه ۵ تیر ۱۴۰۰
وطن امروز | شماره ۳۴۴۲
بین الملل

دیدگاه

معمای جنگ و صلح افغانستان

رضا عطایی

کارشناس مسائل افغانستان

تاریخ ۴۰ سال اخیر افغانستان از سویی تداوم صحنه ترازوی جنگ، خشونت، مهاجرت، مواد مخدر و افراط و بنیادگرایی بوده و از سوی دیگر محل تاخت‌وتاز بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و وضعیت آنارشیک فعلی افغانستان که تداوم بحران و ناامنی است از این کشور چهره‌ای بسیار منفی در عرصه جهانی ساخته و دولت افغانستان نیز در زمره دولت‌های شکست خورده محسوب می‌شود.

آنچه اوضاع این روزهای افغانستان از آن حکایت دارد گویای آن است که این کشور در حال گذار از یک بیج مهم تاریخی است. گذشته از ظرایف و پیچیدگی‌های سیاست و حکومت در افغانستان، قرار گرفتن این کشور در یک موقعیت کاملا استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک سبب شده است نوشتن تحلیل، طرح سناریو و تحلیل آینده‌پژوهی درباره آن بسیار سخت و دشوار باشد.

تحركات نظامی اخیر طالبان و انجام تصرفات متعدد در اقصی نقاط خاک افغانستان آن هم در شرایطی که ایالات متحده آمریکا بخش قابل توجهی از نیروهای خود را از خاک افغانستان خارج کرده و تا سپتامبر سال جاری قرار است تعداد نیروهای آمریکایی در افغانستان به کمترین تعداد ممکن در تاریخ ۲۰ ساله حضورش در افغانستان برسد و همچنین سایر رقابت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای که میان سایر بازیگران در حال انجام است، مذاکرات صلح و گفت‌وگوهای بین‌الاقناعی را نیز به چالش کشیده است.

از همین رو چنین به نظر می‌رسد که طالبان برای داشتن دستی بالاتر فرآیند مذاکرات صلح و قدرت چانه‌زنی بیشتر، نوعی مانور قدرت خویش را به نمایش گذاشته است. جنگ افغانستان به صورت رسمی از سال ۱۹۷۹ با حمله اتحاد جماهیر شوروی به این کشور آغاز شد و در مقابل با حمایت ایالات متحده از مجاهدین در برابر ارتش سرخ، افغانستان به میدان جنگ سرد ۲ قدرت بزرگ تبدیل شد که به نحوی نداعی‌کننده «بازی بزرگ» (The Great Game) و توافقنامه ۱۹۰۷میلادی بود که افغانستان در آن برهه به عنوان «مزر حایل» میان روسیه تزاری و بریتانیا به رسمیت شناخته شد و اینک میزبان «بازی بزرگ جدید» (The New Game) است که با پیروزی بنیادگرایی اسلامی و طالبانیسم به حوادث یازدهم سپتامبر ختم شد و در نتیجه با حضور نظامی ایالات متحده بعد از سال ۲۰۰۱، جنگ‌های پارتیزانی و حملات تروریستی اوج گرفت و رفته رفته بعد از سال ۲۰۱۴ به یک جنگ جهانی تبدیل شد که طی آن طالبان توانست بر بخش‌های عظیمی از این کشور تسلط پیدا کند و هم‌اکنون بعد از ۲۰ سال جنگ فرسایشی در افغانستان میان نیروهای بین‌المللی و دولت افغانستان با شبه‌نظامیانی به نام طالبان، شاهد مذاکرات صلح میان آنها هستیم.



تحلیل و پیش‌بینی مذاکرات صلح افغانستان نیز موضوعی چندلایه و بسیار پیچیده است که بشدت متأثر از ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و امنیت انرژی و مسائلی از این دست بوده و عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در روند و نتایج مذاکرات صلح افغانستان تأثیر دارد که می‌توان مهم‌ترین عامل را رقابت‌های سایر کشورها در فضای افغانستان دانست؛ زیرا امنیت که محیط امنیتی افغانستان را احاطه کرده‌اند. این نیروها هر یک در ابعاد منطقه‌ای و جهانی منفعی را دنبال می‌کنند که در صورت تضاد این منافع، از طریق گروه‌های شبه‌نظامی خود در افغانستان با یکدیگر رقابت می‌کنند، بنابراین آنچه در جنگ افغانستان جریان دارد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی با یکدیگر است و تا زمانی که این قدرت‌ها به یک «آتش بس» و سپس به «توازن قوا» در افغانستان تن ندهند، کاهش منازعات و خشونت‌ها غیرممکن خواهد بود. این قدرت‌های سیاسی بین‌المللی ایالات متحده و چین، ایالات متحده و روسیه در حال رقابت هستند. علاوه بر اینهم درباره فرجام رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در افغانستان، سوالات بی‌پاسخ بسیار جدی‌ای درباره آینده معمای «جنگ و صلح» در افغانستان وجود دارد که اگر به آنها در این مذاکرات پاسخ درخوری داده نشود، صلح افغانستان را به کف روی آب شبیه می‌کند. از جمله این سوالات در ادامه بیان می‌شود:

- در جدال امارت و جمهوریّت، کدام یک پیروز میدان خواهد بود؟

-قانون اساسی و ساختار سیاسی افغانستان دچار چگونه تغییراتی خواهد شد؟

- تکلیف نیروهای مسلح و تسلیحات نظامی طالبان بعد از صلح چه می‌شود؟

-وضعیت حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی به چه صورت خواهد بود؟

- نفوذ کشورهای همسایه و منطقه در طالبان به چه شکل ادامه خواهد یافت؟

- آیا مذاکرات صلح در نهایت به همان سرنوشت «کنفرانس بن» منجر خواهد شد؟

جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا در زمان ترامپ در کتاب «آنچه در اتاق افتاد» نکته‌ای درخور توجه درباره نقطه ضعف مذاکرات ایالات متحده و امارت اسلامی طالبان می‌گوید که برای درک فضای افغانستان قابل تأمل است. بولتون می‌گوید: اگر طالبان فکر می‌کرد که ما واقعا خارج می‌شویم هیچ انگیزه‌ای برای صحبت جدی نداشت، صبر می‌کرد همان‌طور که قبلا کرده بود و همان‌طور که مردم افغان در طول قرن‌ها صبر کرده بودند. یک ضرب‌المثل افغانی می‌گوید: «شما سیاست دارید و ما زمان».